



عالی آب و دادخواهی گروه‌هایی است که سهم آبشان نادیده گرفته شده است. این کارشناس آب با توجه به تجربیاتش در تعاونی آب بران استان فارس و بندرعباس تاکید می‌کند در ساختار فعلی نظام های مردمی مانند تشکل ها و تعاونی ها راه به جایی نمی‌برند؛ چرا که وزارت نیرو حاضر نیست از قدرتش به نفع مردم بکاهد. در نتیجه برای آن که اعتراضات مردم به جایی برسد باید دادگاهی ویژه آب برگزار شود که در آن به صدای نمایندگان جوامع محلی و بهره‌برداران در دشت‌های مختلف کشور وزن داده شود. به نظر می‌رسد داریوش مختاری می‌خواهد از نهاد حاکمیت برای حل مسئله و داوری و قدرت بخشی به صدای مردم کمک گیرد.

این کارشناس آب دو استدلال را در دفاع از ایده خود به کار می‌برد؛ (۱) در حال حاضر دادگاه‌های عمومی کشور قادر به حل منازعات منطقه‌ای و ملی نیستند. (۲) دادگاه عالی آب در جهان وجود دارد که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند و به اختلافات آبی می‌پردازد. در پاسخ درخواست وی، وزارت نیرو جوابیه‌ای منتشر می‌کند. در این جوابیه ضمن اشاره به اصل ۵۷، ۶۱ و ۱۵۹ پیشنهاد تشکیل دادگاه با مشارکت دولت را دخالت قوه مجریه در امر قضا دانسته و تشکیل دادگاه و تعیین صلاحیت آن را منوط به حکم قانون و در نهایت این ایده را خلاف قانون اساسی معرفی کرده است.

وضعیت فعلی دادرسی به شکایات مربوط به آب رویه دیگری را نشان می‌دهد. مریم حسنی کارشناس حقوقی در این رابطه می‌گوید: «در حال حاضر هیچ دادگاه عمومی در مرحله اول به مسائل آبی نمی‌پردازد. بعد از سال ۸۹ یک مرجع شبه قضایی (نتیجه تصویب تبصره قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری) تحت عنوان کمیسیون آب‌های زیرزمینی به وجود آمد که مسئولیت رسیدگی به اختلافات آبی کشور را برعهده گرفت.»

این کمیسیون جایگزین دادگاه صالحه شد، در نتیجه مکانیسم دادرسی آب را تغییر داد و ابهامات فراوانی ایجاد کرد. به نظر می‌رسد حدود صلاحیت این کمیسیون یکی از موارد متناقض باشد. در ابتدا قرار بود این کمیسیون تنها به اختلافات ناشی از اجرای قانون توزیع عادلانه آب بر سر چاه‌های آب کشاورزی فاقد پروانه بهره‌برداری قبل از

خواهان و خوانده

پرونده ویژه دادگاه آب

بهار زندر ضوی

روزنامه نگار و پژوهشگر آب

یادداشت

دعوا بر سر آب خواهان‌های مختلفی دارد. از محیط زیست گرفته تا کشاورزی و صنعت و شرب. از سوی دیگر خوانده آب یا همان طور که در قوانین آمده است مالک آب، حاکم اسلامی است؛ «انفال و مشترکات از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، سایر آب‌های عمومی، کوه، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بی‌شبه طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نمایند.»

در سال‌های گذشته برای برون رفت از اختلافات ناشی از آب راه حل‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفت در این پرونده ایده جدیدی مبنی بر تشکیل دادگاه آب از زوایای گوناگون به بحث گذاشته شده است.

تشکیل دادگاه آب ایده‌ای است که در جست و جوی اینترنتی با نام داریوش مختاری کارشناس آب بیشتر به چشم می‌خورد. داریوش مختاری کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی با سابقه فعالیت در حوزه مهندسی آب و آب‌خیزداری در استان فارس در سال ۹۴ طی نامه‌ای پیشنهاد تشکیل دادگاه آب با مشارکت دولت (حاکمیت) و مردم (جامعه محلی) را به سران سه قوا ارائه داد.

وی معتقد است تنها راه برون رفت از وضعیت فعلی برگزاری دادگاه

سال ۸۵ پردازد. اما امروز مسائل مربوط به آب های جاری نیز به این کمیسیون ارجاع داده می شود. در نتیجه بر خلاف جوایبه وزارت نیرو در حال حاضر دادرسی در حوزه اختیارات و رزوات نیرو است. رامید اخلاص پور کارشناس حقوقی و کشاورز منطقه ارزوئیه یکی از کسانی است که در زمینه ابعاد حقوقی دادگاه آب با وی گفت و گو کردیم. وی نبود دادگاه ویژه را در شرایط فعلی معضل اصلی نمی داند و هم به مزایا و هم به معایب تشکیل دادگاه می پردازد. وی این گونه توضیح می دهد: «قطعا تشکیل دادگاه ویژه آب مزایای خودش را دارد. اطلاع دادرسی آسان تر می شود. در شرایطی که رسیدگی به هر چاهی بسیار طول می کشد بین مراجع مختلف از دادگاه تا کمیسیون جا به جا می شود، وجود یک دادگاه ویژه همه چیز را سرو سامان می دهد. تخصص افزایش پیدا می کند چون همین الان عدم تخصص قضات خیلی وقت ها باعث می شود حقوق پایمال شود. ولی دادگاه شاید شرط لازم باشد اما کافی نیست. قوانین باید تغییر کند. چون در شرایط فعلی تشکیل دادگاه فقط منجر به افزایش دعوها می شود، کمکی به حل اختلافات نمی کند.»

در مقابل دیدگاه دکتر سیامک زندرضوی عضو هیئت مدیره انجمن جامعه شناسی و نویسنده کتاب «جامعه شناسی و بحران منابع طبیعی تجدید شونده» در تقابل با دادگاه ویژه آب قرار دارد. وی طرح این دیدگاه را خطری می داند که می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. وی معتقد است این که ما تقاضای تشکیل دادگاه آب کنیم و امیدوار باشیم حاکم صالح عادل پیدا شود که ما را از تشکل ها و انجمن ها بی نیاز کند و قضاوت عادلانه و بی طرفانه کند، مثل همان تفکری است که فکر می کند وزارت نیرو می تواند هم کمیسیون داور بی طرفانه تشکیل دهد و هم خودش یک طرف پرونده باشد.

در بخش دیگر استدلال داریوش مختاری به دادگاه جهانی آب اشاره شده بود. این استدلال را با دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی استاد حقوق بین الملل مطرح کردیم. دکتر قوام آبادی ضمن معرفی قدیمی ترین دادگاه آب جهان به نام والنسیا در اسپانیا توضیح می دهد در سطح جهان چیزی تحت عنوان دادگاه عالی آب وجود ندارد. وی می گوید: «در سطح بین المللی موافقت نامه های دو جانبه یا چند جانبه هستند که در آن مکانیزم هایی برای داور پیشینی شده است، اما قانون کلی بر آب های جهان حاکم نیست.»

برای طرح کامل دیدگاه های شرکت کنندگان در این پرونده مشروح کامل مصاحبه ها را در این پرونده مطالعه کنید.

داریوش مختاری



کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی است. سابقه طولانی در حوزه مهندسی آب و آبخیزداری در استان فارس دارد. وی در سال ۱۳۹۴ در طی نامه ای پیشنهاد «دادگاه عالی آب» با مشارکت دولت (حاکمیت) و جوامع محلی (کشاورزان) به سه قوا ارائه داده است. با وی در رابطه با این نامه گفت و گو کردیم.

◀ جناب مختاری! نامه ای مبنی بر درخواست تشکیل دادگاه آب در اخبار سال ۹۴ به نام شما بسیار به چشم می خورد، موضوع چه بود؟

طرح ایده دادگاه عالی آب متعلق به خودم بود. سال ۹۴ با معضلات آبی مختلفی که در کشور به خصوص در استان فارس رو به رو بودیم، این مسئله مرا بر آن داشت که تنها راه برون رفت را در برگزاری دادگاه آب و دادخواهی گروه هایی بدانم که صدایشان شنیده نمی شود. این نامه را در آن زمان توانستم در مجلس ثبت کنم. روابط کافی برای ثبت نامه نداشتم. اما در وزارت نیرو ثبت شد و جوایبه دادند. برای آن که بتوانم این درخواست را به گوش همگان برسانم به کمک دوستان رسانه ای در خبرگزاری ایسنا توانستم پوشش رسانه ای خوبی برای آن بگیرم.

◀ این درخواست بر چه مبنایی پیشنهاد شده است؟

فلسفه این پیشنهاد بر مبنای قرن ها مدیریت آب و منازعات آبی در ابعاد مردمی است. در گذشته سیستم خود کنترلی حریم قنات، دعاوی بر سر حقاچه رودخانه و چشمه را رفع می کرده است.

سیستم خود کنترلی گروه های بنه / واحد های زراعی گروه های مردمی با همه ساختار ظالمانه اش ساختارهایی مثل میراب، کدخدا، والی و پادشاهان را داشته است تا نظمی را به وجود آورد و اختیاراتی را به نهادهای محلی مردمی برای مدیریت آب، انتخاب محصول، راه های افزایش بهره وری بدهند. نظام خود تنظیمی در طی قرون متمادی سیستم محاسبه حریم و سهم بری طراحی کرده بود که قابلیت اتکا داشت.

به طور کلی ما به عنوان یک کشور خشک همیشه منازعات آبی داشته ایم. در این صد سال اخیر نظام کهن خود تنظیمی از هم پاشیده است. در گذشته باران ها مشکلات آبی ناشی از خشکسالی را تا حدی بهبود می بخشید. اما الان آسیب به آبخوان ها وارد شده است و هیچ بارانی، مشکل را حل نمی کند. افزایش جمعیت، برداشت بی رویه، انتقال های آب، سد سازی و گرفتن حقوق حقاچه داران بدون توجه به وضعیت پایین دست و بالادست باعث شده است امروزه صدای پایین دستی ها به هیچ کجا نرسد. زور دیوان سالاران زیاد است.

◀ وزارت نیرو مدعی طرح های مختلفی مبنی بر توانمندسازی و دادن قدرت به بهره برداران دشت هاست، از نظر شما این نهادهای مردمی قادر خواهد بود به این خود تنظیمی برسند؟

من سال ها در بخش تعاونی های آب بران کار کردم. از پیشتانان تعاونی آب در دشت های استان فارس (دشت کوار، ارسنجان، بندرگز) و دشت های بندرعباس (کهورستان و میناب) بودم. با انجمن کشاورزان سروستان همکاری نزدیک و اساسی داشتم. ولی در ساختار فعلی این نظام های مردمی قدرتی ندارند. هر زمان دیوان سالاران قرار باشد کاری کنند، بدون توجه به نظر مردم کارشان را پیش می برند. مردم پایین دست اعتراضشان راه به جایی نمی برد و پاسخی نمی شنوند. در یک دشت حق بهره برداری از چاه ها باید توسط مردم مشخص شود نه این که هر زمان وزارت نیرو تمایل داشت حق بهره برداری از چاه بدهد. من در جریانم که چه تلاش هایی صورت گرفت تا حق بهره برداری به تشکلی در دشت رفسنجان داده شود ولی در نهایت موفقیتی صورت نگرفت.

اینجا بحث بر سر قدرت است. برای این که تعاونی های آب در هر دشت بخواهند تصمیمی بگیرند و اجرا کنند نیازمند قدرت هستند و وزارت نیرو از قدرت خودش به نفع آنها نمی کاهد. پیشنهاد دادگاه آب بر همین مبنای طرح شده است. نهاد دادگاه در

اینجا بحث بر سر قدرت است. برای این که تعاونی های آب در هر دشت بخواهند تصمیمی بگیرند و اجرا کنند نیازمند قدرت هستند و وزارت نیرو از قدرت خودش به نفع آنها نمی کاهد.

می‌شود، پیشنهاد دادگاه آب را مطرح کردم.

تصمیمات نظام دیوان سالاری در انتقال آب، هر روز اختلافات را بیشتر می‌کند و نهادهای مردمی را هم ضعیف می‌کند. در نتیجه، در شرایطی که نهادهای مردمی ضعیف هستند باید از خود حاکمیت برای تعادل بخشیدن به این وضعیت کمک خواست. این پیشنهاد به لحاظ قضایی پخته نشده است و نیازمند درگیر شدن حقوق‌دانانی است که این پیشنهاد را پخته تر کنند. اما پیشنهاد اصلی برپایی نهاد مستقلی است که داورانی از نهادهای مختلف حضور داشته باشند؛ هم از نهاد اجرایی و هم از نهادهای مردمی حضور داشته باشند. این دادگاه به گونه‌ای برگزار شود که حقوق پایین دست و بالادست را به رسمیت بشناسد و صدای مردم وزن پیدا کند.

مریم حسینی

کارشناس حقوق و پژوهشگر حوزه آب از نویسندگان کتاب «حقوق آب در فلات ایران» به نقش دادگاه‌ها و کمیسیون آب زیرزمینی می‌پردازد. با وی در این رابطه گفت‌وگو کردیم.



◀ آیا امروز دادگاه‌های زیر مجموعه دادگاه عمومی به مسائل حقوقی آب می‌پردازند؟ ایراد وارده به منازعات در این دادگاه‌ها چیست؟

در حال حاضر هیچ دادگاهی به مسئله آب نمی‌پردازد. تا سال ۸۹ اگر کسی شکایتی از وزارت نیرو یا شرکت‌های آب منطقه‌ای داشت به دادگاه آب زیر مجموعه دادگاه عمومی می‌رفت. از سال ۸۹ به بعد با اعتراض وزارت نیرو به احکام دادگاه عمومی کمیسیونی تحت عنوان آب‌های زیرزمینی در زیر مجموعه وزارت نیرو تشکیل شد تا درباره دعاوی آبی تصمیم بگیرد. کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی در سال ۱۳۸۹ با تصویب قانون ابهام‌برانگیز تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری موقعیت قانونی یافت. ظاهراً فلسفه اساسی از تأسیس مرجع شبه‌قضایی مزبور، رسیدگی و تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه قبل از سال ۱۳۸۵ بوده، اما در قانون تعیین تکلیف صلاحیت‌های دیگری نیز بر آن افزوده شده است.

◀ کمیسیون آب‌های زیرزمینی

چگونه ساختاری دارد؟

نتیجه تصویب تبصره قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، کمیسیون آب‌های زیرزمینی در سال ۸۹ بود. هدف از تشکیل این کمیسیون شبه قضایی مکلف کردن وزارت نیرو به رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ است. در نتیجه در هر سازمانی یک کمیسیون تحت عنوان کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی برپا شد. نکته جالب آن است

که حتی اگر در استانی مسئله آب زیرزمینی مطرح نباشد باز هم اختلافات آبی به همین کمیسیون ارجاع داده می‌شود. ساختار این کمیسیون مرکب از یک نفر قاضی با حکم رئیس قوه قضاییه، یک نفر نماینده جهاد کشاورزی استان با حکم رئیس سازمان و یک نفر نماینده شرکت آب منطقه‌ای استان با حکم مدیرعامل شرکت است. مستندات نشان می‌دهد این کمیسیون‌ها تنها با اتکا به رای کارشناسان وزارت نیرو و بدون نظر کارشناسان دادگستری اقدام به صدور حکم می‌کنند. سایر کارشناسان نیز همگی نماینده دولت هستند.

جایگاه مدیریت آب نیست بلکه داوری و قدرت اجرای حکم است. احکامی که دیوان سالاران خود صادر می‌کنند همه چیز را به هم می‌ریزد، چه کسی می‌تواند این نهاد را کنترل کند؟ به این ترتیب، دادگاه تنها پرونده‌هایی را بررسی می‌کند که دارای شاکیان محلی و یا منطقه‌ای هستند؛ وانگهی این شاکیان کشاورزان (حقابه‌بران) محدوده یک دشت باشند که سال‌هاست حقابه آنان توسط شماری از کشاورزان در بالادست برداشت شده است. به واقع حضور دستگاه قضایی در پهنه منابع آب و خاک کشور، کاستی‌های حقوقی و قانونی که تعادل بوم‌شناختی در منابع آب و خاک کشور را به دنبال داشته است شناسایی می‌شوند و کم‌کم مدیریت آب و خاک کشور هم بهبود پیدا خواهد کرد و این همان معنای دیگری است از دفاع غیر عامل.

در حال حاضر دادگاه‌های آب شعبه ویژه زیر مجموعه دادگاه عمومی هستند. اما قدرت اجرای حکمشان را ندارند. برای مثال در انتقال آب خزر به سمنان، ۵ نماینده مجلس از مازندران می‌خواهند جلوی انتقال آب را بگیرند ولی دادستان مازندران قدرتی برای جلوگیری از این کار ندارد.

◀ دادگاه ویژه آب در شرایطی که دادگاه‌های عمومی وجود دارد و این دادگاه از طرفی گاهی خود ذی‌نفع است و یا در برخی موارد احکامش پشتوانه ندارد، چگونه می‌تواند راه حل باشد؟

این سوال از چند منظر قابل بحث است. آیا دادگاه ویژه آب ضروری است؟ در جهان دادگاه لاهه وجود دارد، دادگاه جهانی آب هم وجود دارد. با وجود این که دادگاه لاهه وظیفه رسیدگی به اختلافات و دعاوی بین‌المللی را دارد، دادگاه جهانی آب اختصاصاً به دعاوی آب‌های مشترک بین‌المللی می‌پردازد. کار این دادگاه تنها داوری نیست بلکه نهادی تحقیقاتی است که اختلافات را شناسایی و منازعات آبی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین حتی در سطح جهانی با وجود دادگاه عمومی ضرورت دادگاه ویژه آب دیده شده است. از سوی دیگر به نظر نهاد دادگاهی در سطح محلی نمی‌تواند موثر باشد. همان‌طور که در مسئله مازندران، دادستان مازندران قادر نیست جلوی انتقال آب به سمنان را بگیرد و این یک مسئله ملی است نه محلی.

در حالت سوم اگر سوال این است که آیا دادگاه عالی آب می‌تواند اختیار قانونی و قدرت اجرایی داشته باشد، این سوال به ساختار سیاسی ما برمی‌گردد. در حالی که فساد در ساختار سیاسی ما نهادینه شده است واقعاً پاسخ به این سوال دشوار است. در شرایطی که فساد و عدم شفافیت همه جا را گرفته است تشخیص درست از نادرست دشوار است. آیا تصمیمات قضایی در حوزه آب وقتی این استدلال مطرح است که بنده خدا فقیر است و باید برای امرار معاش آب برداشت کند، مبنی بر عدالت اجتماعی صحیح است؟ یا این که نسل آینده

هم از این آب سهمی دارد و بر مبنای عدالت بین نسلی حق برداشت غیر قانونی است. این تحلیل‌ها از دریچه نظام عقلانی کاملاً قابل بررسی و قضاوت است. اما در فضای فعلی شاید هر ایده‌ی نه تنها ایده من بی معنا باشد.

◀ در نهایت پیشنهاد اصلی شما چیست؟

من در واکنش به شکست تعاونی‌های آب بران و با توجه به این که نهاد مردمی در حکمرانی آب ضعیف شده است و صدایش به جایی نمی‌رسد برای دعاوی حوزه آب که هر روز بحرانی تر

من در واکنش به شکست تعاونی‌های آب بران و با توجه به این که نهاد مردمی در حکمرانی آب ضعیف شده است و صدایش به جایی نمی‌رسد برای دعاوی حوزه آب که هر روز بحرانی تر می‌شود، پیشنهاد دادگاه آب را مطرح کردم.

◀ چه اعتراضی از سوی وزارت نیرو به این دادگاه ها وارد بود؟

نقد وزارت نیرو در آن زمان این بود که دادگاه های عمومی، تخصصی در امور آبی ندارند، در نتیجه باید کارشناسان آبی در دعاوی حضور داشته باشند.

◀ چه نقدهایی به این کمیسیون های تخصصی وارد است؟

- چندین نقد را می توان مطرح کرد؛
- ۱- درحالی که اسم کمیسیون، آب های زیرزمینی است، به همه مسائل آبی در همه مناطق همین کمیسیون رسیدگی می کند.
 - ۲- در صورتی که شکایتی به این کمیسیون وارد شود، تنها نمایندگان وزارت نیرو در مورد شکایت تصمیم می گیرند، در نتیجه هیچ نماینده ای از سوی کشاورز بهره بردار یا ذی نفعان غیر دولتی حضور ندارد.
 - ۳- قاضی در دادرسی نقش اصلی ندارد و امضای قاضی به حکم کمیسیون جنبه حقوقی می دهد.
 - ۴- در صورتی که کسی به حکم کمیسیون اعتراض داشته باشد باید به دیوان عدالت اداری شکایت کند، در حالی که رسیدگی به شکایات و دادرسی در حیطه اختیارات دیوان عدالت اداری نیست و تنها وظیفه این نهاد تطبیق قوانین با نحوه عملکرد مجریان است. در عین حال که هیچ تخصصی نسبت به مسائل آبی و سهم آببران ندارند.
 - ۵- در صورتی که این کمیسیون ها نیازمند حکم کیفری باشند به دادگاه مراجعه می کنند و با ارائه مستندات حقوقی می توانند حکم بازداشت، توقیف اموال یا هزینه جبرانی حکم قضایی دریافت کنند.
 - ۶- در صورتی که حکم صادر شود یعنی در کمیسیون متهم شناخته شده است. این درحالی است که باید توجه داشت دادگاه کاملا به صورت یک طرفه تشکیل شده است.
 - ۷- تنها در صورتی پرونده های آبی به دادگاه می روند که جرم کیفری اتفاق افتاده باشد مثلا زد و خوردی اتفاق افتاده باشد.

◀ نهادهای دیگری در حوزه تصمیم گیری برای آب وجود ندارند؟

نهاد دیگری تحت عنوان شورای عالی آب با این وظیفه تشکیل شد که هماهنگی بین سیاست های دستگاه های اجرایی را برعهده گیرد. هم اکنون این نهاد هماهنگی به مرجع قانونگذاری تبدیل شده است و مصوبات این شورا به عنوان مرجع تصمیم گیری در حوزه آب به رسمیت شناخته می شود. برای مثال، اگر بپرسید کدام نهاد دستور کاهش پروانه ها را داده است، به طرح توزیع عادلانه که از مصوبات شورای عالی آب است ارجاع داده می شوید؛ درحالی که وظیفه این شورا از ابتدا قانونگذاری نبوده است.

◀ برای طرح ایده دادگاه آب چه نکاتی را حائز اهمیت می دانید؟

سوالاتی مثل این که این دادگاه مستقل زیر مجموعه کدام نهاد است؟ کارشناسان این دادگاه کجا آموزش داده می شوند؟ آیا این کارشناسان همه زیر مجموعه وزارت نیرو هستند یا کارشناسان مستقلی هم حضور دارند؟ این خطر همیشه در کمین دادگاه است که مانند کمیسیون ها شبه قانونی شود. در حالی که مرجع دادرسی در کشور دادگاه صالحه است، این وظیفه در بسیاری از وزارت خانه های کشور بر عهده کمیسیون هایی است که با توجه به منافع

خودشان به صورت یک طرفه به پرونده رسیدگی می کنند، در نتیجه زمینه ساز رشوه، ظلم و فساد می شوند.

رامبد اخلاص پور



کارشناس حقوقی و کشاورز منطقه ارزوئیه با استناد به تجربیات پدرش حسین اخلاص پور و کیل دادگستری با سابقه ۲۲ سال قضاوت به مسئله تشکیل دادگاه عالی آب از نگاهی حقوقی و اقتصادی پرداخته است.

◀ چه مزایایی یا معایبی در تشکیل دادگاه ویژه آب در کشور می بینید؟

قطعا تشکیل دادگاه ویژه آب مزایای خودش را دارد. اطاله دادرسی آسان تر می شود. در شرایطی که رسیدگی به هر چاهی بسیار طول می کشد و بین مراجع مختلف از دادگاه تا کمیسیون جا به جا می شود، وجود یک دادگاه ویژه همه چیز را سر و سامان می دهد. تخصص افزایش پیدا می کند چون همین الان عدم تخصص قضات خیلی وقت ها باعث می شود حقوق پایمال شود. می توان با وجود دادگاه ویژه آب امیدوار بود نگاه قضات بیشتر به سمت مردم باشد، مثلا پدر من به خاطر سابقه خانوادگی کشاورزی همیشه نگاهش به بهره بردار است، اما امروز هر چه جلوتر هم می رویم نگاه قضات به سمت منافع دولت پیش می رود. گویی که قاضی وکیل آن اداره است.

اما این دادگاه معایب جدی هم دارد. یکی از داستان هایی که همیشه تکرار می شود این است که وقتی مراجع دادرسی زیاد شود، مردم هم شکایتشان زیاد می شود. تجربه نشان داده با اضافه شدن این مراجع دادرسی، به جای حل اختلاف تولید اختلاف می شود. مثال آن شوراهای حل اختلاف است، سر هر کوچه ای یک شورای حل اختلاف درست کردند و در هر شهرستان کوچکی الان یک دادگاهی هست. مردم وقتی سر خروس دعوایشان می شود به دادگاه می روند. اگر در ابتدا سوال این باشد که آیا ما به اندازه کافی پرونده

تجربه نشان داده با اضافه شدن این مراجع دادرسی، به جای حل اختلاف تولید اختلاف می شود. مثال آن شوراهای حل اختلاف است، سر هر کوچه ای یک شورای حل اختلاف درست کردند. مردم وقتی سر خروس دعوایشان می شود به دادگاه می روند

آبی داریم که برای آن دادگاه تشکیل دهیم. در صورتی که دادگاهی وجود داشته باشد برای آن دادگاه ویژه هزاران پرونده درست می شود. یکی از دلایلی که مردم حاضر می شوند به صلح و سازش قضیه را حل و فصل کنند یا به قول معروف به خاطر دستمال قیصریه را آتش زنند این است که با خود فکر می کنند دادگاه دور است اگر بخواهیم بگوییم از اینجا تا مرکز شهرستان برویم، ارزش ندارد. حالا شما سر آن روستا دادگاه بگذارید، با کوچکترین اختلافی خودشان را به سر کوچه می رسانند.

یکی از رایج ترین مشکلات در کشور ما این است که متوجه نیستند دادگاه تولید حق نمی کند، بلکه حل الفصل می کند؛ یعنی هیچ دادگاهی نباید اجرای عدالت کند، باید فصل خصومت کند. مردم از دادگاه توقع اجرای عدالت دارند، می خواهند دادگاه برایشان سندی که ندارند، بسازد. متأسفانه دادگاه های ما هم همین تفکر را دارند و مثلا برای شما سند درست می کند، زمین به نام شما می شود، در نتیجه خصومت بیشتر می شود. این خطر وجود دارد که با تشکیل دادگاه ویژه آب، مردم به خاطر کوچکترین اختلاف که الان هم فراوان وجود دارد به دادگاه آب بروند.

◀ اگر این دادگاه ویژه آب به جای مسائل شخصی به مسائل ملی و منطقه ای دشت ها بپردازد مشکل حل می شود؟

شود. وقتی همه نیروهای کشور را روی یک منبع متمرکز کرده باشی، اختلاف ایجاد می شود.

◀ آیا قوانین موجود در حوزه حل مسائل زیست محیطی کارایی دارند؟

قطعا ندارند. وقتی سال ۶۱ گفتند هرکس چاه ندارد، برود چاه بزند چه نگاه محیط زیستی در آن بود. نگاه ما نگاه مالکانه است. این تقلب سال ۸۹ هم تکرار شد گفتند هرکس قبل از ۸۵ چاه زده بخشیده می شود. خیلی ها دروغ گفتند و چاه گرفتند. این قوانین هیچ اهمیتی به حفظ محیط زیست نمی دهند. به نظر برای برون رفت از این وضعیت اول باید قوانین تغییر کند و نقش دولت مدیریت تقاضا شود و آب دیگر سودآور نباشد. تنها کسانی سراغ آب بروند که تخصص و سرمایه لازم را برای کار با آن داشته باشند.

سیامک زندر ضوی



عضو هیئت مدیره انجمن جامعه شناسی و نویسنده کتاب «جامعه شناسی و بحران منابع طبیعی تجدید شونده»، با سابقه سه سال فعالیت در سازمان جنگل ها و انجام پروژه های پژوهشی در ارتباط با منابع طبیعی از دیگر کسانی بود که با او درباره ابعاد مختلف دادگاه آب گفت و گو کردیم.

◀ به لحاظ جامعه شناسی پدیده تشکیل دادگاه آب را چگونه می بینید؟ اعتراض نمایندگان به طرح های انتقال آب یا سایر مسائل آبی چگونه در شرایط فعلی می تواند دادخواهی شود؟

اولین چیزی که با طرح این ایده به ذهن من رسید این است که اگر آب به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید نیازمند دادگاه است چرا سایر عوامل تولید مثل خاک، نیرو کار و سرمایه نداشته باشیم؟ یعنی آیا واقعا این همه دادگاه خاص ضروری است؟

به نظر وقتی ما در مورد اعتراض نمایندگان به مسائل انتقال آب در مناطق مختلف مثل خزر به سمنا صحبت می کنیم، نباید این سوال مطرح باشد که این نمایندگان به کجا باید شکایت کنند. زمانی که این نمایندگان، نمایندگان واقعی مردم باشد و آن مجلس یک مجلس واقعی باشد، ساده ترین کار آن است که مسئول مربوطه را به مجلس دعوت می کردند یا چون آن سازمان زیر مجموعه نهاد ریاست جمهوری است، خود شخص رئیس جمهور را به مجلس می خواستند و طرح پرسش می کردند. به عبارت دیگر، مکانیزم مجلس در همه جای دنیا، پاسخگویی و نظارت را در خود دارد. داستان در مسائل این چنینی، نبود ساز و کار نظارتی یا دادخواهی نیست. چون در اینجا بحث بر سر قدرت است. در این حالت نمایندگان مجلس ترجیح می دهند حرفی بزنند ولی از طرف دیگر چیزی نگفته باشند، در عمل پیگیر مسئله نیستند.

از باب دیگری هم می توان به این مسئله پرداخت. در تاریخ ما بهره برداری از رودخانه، چشمه و قنات انجام می شد. برای همه این بهره برداری ها مکانیزم داوری محلی وجود داشت و قوانین خیلی شناخته شده ای هم برای این شیوه های بهره برداری تعریف شده بود. من به خاطر دارم، زمانی در دشت سیرجان مایل بودند با لوله گذاری آب قنات را

نه چنین تفکیک در حوزه کار دادگاه ها بی معناست. وقتی شما از دادگاه آب حرف می زنید هر چیزی که به آب مربوط باشد در این حوزه قرار می گیرد. در اختلافات مربوط به آب چیزی جدا از مردم و دولت هم که وجود ندارد. مثالی ساده بیاورم در شهرستان بافت، پای کوه شاه چندین روستا وجود دارد. مردم سد چوبی با درخت های خشک همان اطراف بر روی رود کوچکی که بین این روستاها وجود داشت، می زدند. اگر هم سیل می آمد و خراب می شد دوباره درستش می کردند. حالا خیلی احمقانه آن را سیمانی کرده اند و روستای بالادست به جای آن که سد را در جای قدیمی بزند در بالادست تر زده است و آب رود برای روستاهای پایین دست کم شده. حالا این اختلاف شایسته شرح وظایف دادگاه آب هست یا نه؟ از این نوع اختلافات در مناطق مختلف فراوان است.

◀ در صورتی که قوانین تغییر نکنند، تشکیل دادگاه آب کمکی به حل منازعات کشور می کند؟

ببینید! این دو مسئله جداگانه است. اگر قوانین همین باشد، نباید به دنبال دادگاه آب بود. باید به دیوان عدالت اداری شکایت کرد. از طریق تجمیع فرآکسیون های مجلس اقدام کرد. مسئله این است که اگر شما همین الان با این فرمول بخواهید مشکل ازدواج در ایران را با دادگاه ویژه خانواده حل کنید، مشکل حل نمی شود. در این رابطه به اعتقاد من قانون ایران از پایه زن ستیز است. در قوانین آب ایران، آب ها ملی نشدند، دولتی شدند. در نتیجه بنیان آب مشکل پیدا کرده است. الان این طرز تفکر در همه ما نهادینه شده است. «هرچه قدر آب کشیدم، کشیدم. آب از من نیست.» قانون هم این تفکر را تأیید می کند. پدرم تعریف می کند در منطقه بافت تپه ای به نام باغستان وجود داشت. قبل از ملی شدن کسی جرأت نمی کرد بوته ای از آن بکند. بعد از ملی شدن مردم همه درختان را قطع کردند. تجربه ایرانی می گوید «از دولت هر چی خوردی، خوردی. هر چی بُردی، بُردی.» در نتیجه دادگاه شاید شرط لازم باشد اما کافی نیست. قوانین باید تغییر کند. چون در شرایط فعلی تشکیل دادگاه فقط منجر به افزایش دعوای می شود، کمکی به حل اختلافات نمی کند.

◀ در مسئله آب زیرزمینی قانون خاصی را مد نظر دارید که باید تغییر کند؟

نه، نگاه به قوانین آب باید عوض شود. مشکلی که در حال حاضر بیش از هر چیز مسئله ساز شده است. بحث اشتغال زایی است. دانش علمی و تخصصی جهان به این نتیجه رسیده است که باید در چاه ها را بست تا آب احیا شود. اما در مقابل با معاش مردم و نیروی کار چه باید کرد. این سوال اساسی مانع تغییر است. در پاسخ ایده ای مطرح می شود که دولت بیاید سه سال، ده ساله پول به مردم بدهد و چاه های آب را اجاره کند. مردم دنبال کار دیگری برونند. اما این کار دیگر چه باید باشد. پاسخی ندارند.

بحث دیگری هم وجود دارد. نقش دولت در مدیریت آب بر اساس مدیریت عرضه بوده است. در مقابل چرا من باید دنبال آب می رفتم چون آب سودآور بوده است. کافی بود دم اداره بمانی و مجوز چاه را بگیری، زمینت ۵ برابر قیمت پیدا می کند. در یک جلسه هم اندیشی آب

آقای زینلی تعریف جالبی می کرد. می خواستند به نیروی انتظامی امتیاز دهند، چاه آب دادند. می گفتی دیپلم بیکار هستم، چاه آب می دادند. بازنشسته بیکار می شود، می رود سراغ کشت پسته. این وضعیت باید تغییر کند، بار اشتغال زایی کشور از روی آب برداشته

مکانیزم مجلس در همه جای دنیا، پاسخگویی و نظارت را در خود دارد. داستان در مسائل این چنینی، نبود ساز و کار نظارتی یا دادخواهی نیست. چون در اینجا بحث بر سر قدرت است.

به زمینی منتقل کنند. در این حالت مسیر قنات و درختانی که در این مسیر با مالکان مختلف آب دریافت می کردند، به خاطر لوله گذاری از آب محروم می شدند. همان موقع دادگاه با رویه قانونی خیلی مشخص حکم به پرداخت حقاچه این درختان داد.

یعنی یک دادگستری مستقل و قدرتمند به سادگی می تواند وارد بحث دآوری شود و کارشناسان خبره هم می توانند مستندات کافی برای مسئله جمع آوری کنند. در نتیجه هیچ دادگاه ویژه‌ای برای این کار ضرورت ندارد.

در شرایط فعلی که مسئله آب بحث برداشت از آب سفره‌های زیرزمینی به وسیله چاه و موتور پمپ است یا سد بستن بر رودخانه‌ها محل درگیری است، دآوری ساده پاسخگو نیست. در این رابطه آیا دادگاه آب نمی تواند موثر باشد؟

واگذاری این آب بعد از دهه چهل توسط دولت قاعده را تا به امروز به آنجا کشانده است که دولت هم مسئول رسیدگی به همه آب‌ها شده است. اما به لحاظ منطقی و جاهت قانونی ندارد. چون وقتی دولت صاحب آب باشد، مرجع رسیدگی به اختلاف هم دولت باشد، خود به خود قضاوتش سوال برانگیز است.

همان طور که می‌فرمایید دولت به عنوان صاحب آب مرجع رسیدگی به همه آب‌ها شناخته می‌شود، در نتیجه دفاع از حقاچه تالاب‌ها هم به عهده نهاد دولت است. در بسیاری موارد منافع

بهره برداران در تضاد با محیط زیست قرار می‌گیرد. در اینجا حمایت دولت از محیط زیست را چگونه می‌توان تشریح کرد؟!

چه طور وقتی در همان دولت تصمیم‌گیری می‌شود که آب را از سرشاخه‌های کارون‌جا به جا کنند می‌توان انتظار داشت حقاچه تالاب هورالظیم را هم بپردازند؟! از ابتدای هفتاد میلادی جنبش‌های اجتماعی در جهان شکل گرفت که در پی حفظ منابع طبیعی تجدید شونده بودند و تا به آنجا پیش رفتند که به دنبال حقوقی کردن شخصیت رودخانه‌ها

و تالاب‌ها هستند تا تشکل‌های محیط زیستی بتوانند به عنوان وکیل مدافع این شخصیت‌های حقوقی در دادگاه‌ها شکایت کنند. موج این جنبش‌های محیط زیستی به ایران هم رسیده است. واقعیت این است که در همین انتقال آب خزر اگر تشکل‌های قوی وجود داشتند که ابعاد این انتقال را شفاف می‌کردند؛ اثرات زیست محیطی این انتقال را تبدیل به گفت و گوی عمومی می‌کردند. این مسئله دغدغه همه نمایندگان می‌شد. البته در ایران در این چهل سال به دقت از تشکیل تشکل‌های مردم نهاد جلوگیری شده است. خود دولت و کمیسیون‌ها و شوراهای داخلی دولتی به عنوان ذی نفع و تصمیم‌گیر هرگز نمی‌توانند دآوری منطقی و تصمیمات بین نسلی داشته باشند.

◀ نقش تعاونی‌های مختلف که در حاشیه خزر تاسیس شده‌اند به عنوان بهره‌بردار ذی نفع در این مسئله چه می‌تواند باشد. اساسا در مسائل انتقال آب تشکل‌های مردم نهاد بهره‌بردار یا محیط زیستی قرار است چه نقشی ایفا کنند؟ نکته همین جاست. این تعاونی‌ها وجود دارند اما به نظر نمی‌رسد که اطلاعاتی از نتایج برداشت آب و یا برگشت پسماند آب به دریای خزر روی زندگی خودشان داشته باشند.

در کشور ما در این چهل سال لایحه تشکیل اجتماعات مردم نهاد در مجلس به قانون تبدیل نشده است. وقتی هم این انجمن‌ها نتوانند به راحتی گسترش پیدا کنند. نتیجه وضعیت این است نه اطلاعات دقیق و روشن و منظمی تولید می‌شود و نه این اطلاعات هم به دانش برای سایر گروه‌های ذی نفع و بهره‌بردار تبدیل

می‌شود. بعد از این که گروه‌های بهره‌بردار از همه ابعاد وضعیت بر روی زندگی خودشان مطلع شوند می‌توانند در هر دادگاهی اقامه دعوا کنند و نیازمند دادگاه ویژه نیستند.

◀ در بسیاری مواقع دولت به عنوان طرفدار بهره‌برداران ظاهر می‌شود. تاکید دولت برای جابه‌جایی آب کارون یا خزر نیاز بهره‌برداران منطقه مقصد است. و در واقع این استدلال مطرح است که اگر آب انتقال نیابد در مقصد فاجعه درست می‌شود. نظر شما در مورد چنین ادعاهایی چیست؟

دولت نمی‌تواند تنها طرفدار یک گروه از بهره‌برداران باشد. وقتی آب منطقه‌ای جا به جا می‌شود و اثرات زیست محیطی و اقتصادی آن تمام حوضه آبریز را در بر می‌گیرد. معیشت، بهداشت و محیط زندگی گروه‌های بسیاری به این آب وابسته است. دولت نمی‌تواند ادعا کند مثلا من بهره‌برداران خوزستان را نمی‌بینم ولی کارخانجات صنعتی و کارگران منطقه یزد را می‌بینم. این نوعی تقلب است. با توجه به این که تجربه جهانی در مورد انتقال آب خارج از حوضه، توسعه نامتوازن را پیش‌بینی می‌کند. مثل این که در دوره‌هایی شهرهایی ساخته می‌شده و چون در آنها معدن طلا کشف شده بود. بعد از استخراج طلا و تمام شدن آن شهر متروکه می‌شده است. حالا این طلا همان آبی است که از یک حوضه دیگر وارد شده است. کافی است این آب قطع شود، تمام صنایع یک شهر و اشتغالی که ایجاد شده است، پایدار نمی‌ماند.

هزینه‌های انتقال حوضه به حوضه بیشتر منافع بانندی را نشان می‌دهد. باید برای هر انتقالی معلوم باشد چه کسی نفع می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند.

من این طرز تفکر را برای دادگاه با ساختار فعلی کشور خوشبینی مفرط می‌دانم. همان طور که ضعیف بودن همه سازمان‌های مردم نهاد ما بدبینی مفرطی است.

◀ شما هم تاکید می‌کنید که انجمن قوی برقرار نشده و از گسترش آنها جلوگیری می‌شود. دقیقا اگر این استدلال را بپذیریم چگونه توقع دارید این موازنه تغییر کند؟ ادعا اولیه برای تشکیل دادگاه از اینجا طرح می‌شود که دادگاهی برقرار شود که در آن صدای مردم وزن داشته باشد و نمایندگان مردم حضور پیدا کنند.

بگذارید این طور فرض کنیم که دادگاهی هست که برای قطع یک درخت همان طور فعال می‌شود که برای قتل یک انسان. دادگاه مستقل تشکیل می‌شود. دادستانی به دنبال تشکیل پرونده می‌رود، کلانتری در محل وجود دارد که برای قطع درخت شواهد و مستندات را جمع‌آوری می‌کند و به عنوان شاهد در جلسه حضور پیدا کنند تا کسی درخت را قطع کرده مجرم شناخته شود. من این طرز تفکر را برای دادگاه با ساختار فعلی کشور خوشبینی مفرط می‌دانم. همان طور که ضعیف بودن همه سازمان‌های مردم نهاد ما بدبینی مفرطی است.

به بیان دیگر اگر ما ساختاری داریم که در دادگاه قدرتمند مستقلی تشکیل می‌شود که در آن دادستانی به دنبال جمع‌آوری شواهد و مستندات می‌رود تا به مسائل محیط زیستی مثل آب رسیدگی کند. حتما در همان ساختار تشکل‌های مردم نهاد قدرتمندی وجود دارند که شاکی باشند و برای شکایاتشان مستندات به دادگاه ارائه دهند.

◀ چه معایبی برای دادگاه ویژه آب متصور هستید؟ به نظرم باید تا می‌توان در این شرایط از طرح چنین ایده‌هایی پرهیز کنیم که به بن بست می‌رسند. این که ما تقاضای تشکیل دادگاه آب کنیم و امیدوار باشیم حاکم صالح عدالی پیدا شود که ما را از تشکل‌ها و انجمن‌ها بی‌نیاز کند و قضاوت عادلانه و بی‌طرفانه

موافقت نامه های دو جانبه یا چند جانبه هستند. در جهان برای حقوق دریاها و آبراهه ها قوانینی وجود دارد. اما دادگاهی در سطح بین المللی به مسئله آب یا آب زیرزمینی به طور کلی نمی پردازد. چیزی که الان وجود دارد شورای جهانی آب است که نقش داوری و قضاوت ندارد. در جهان کنوانسیون هایی وجود دارد که در همان کنوانسیون مکانیزمی برای حل اختلاف پیش بینی می شود. معمولاً اولین راه داوری است. برای مثال در کنوانسیون ۱۹۹۷ آبراهه مشترک اوروگوئه و آرژانتین ساختاری اداری به نام «کارو» برای مدیریت و بهره برداری چه به لحاظ کشتیرانی، چه به لحاظ استفاده از آبزیان و موارد دیگر پیش بینی شده است.

در صورتی که در این ساختار اختلافی به وجود بیاید اولین مکانیزم حل اختلاف داوری است. در غیر این صورت به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع داده می شود، آن هم در صورتی که با مذاکره بین خود دو کشور حل نشده باشد.

در داخل کشورها نیز تا آنجا که من اطلاع دارم دادگاه خاصی برای آب نیست. دادگاه قدیمی والنسیا در اسپانیا است. در مواردی شعباتی به آب اختصاص داده شده است. اما دادگاه مجزایی به این مسئله نمی پردازد. در سطح بین المللی شورای جهانی آب فعالیت می کند که آن هم برای آگاه سازی و ترویج توسعه پایدار است.

کند، مثل همان تفکری است که فکر می کند وزارت نیرو می تواند هم کمیسیون داوری بی طرفانه تشکیل دهد و هم خودش در نقش خواهان پرونده باشد. معنی دادگاه مستقل یعنی هرکس می تواند صدای خودش را داشته باشد و به شکایتش رسیدگی شود. چیزی که امروز در اختیار شهروندان نیست، قوه قضاییه است. چیزی که در اختیار شهروندان هست تشکل و رسانه های اجتماعی مجازی است. هرچه قدر ضعیف و غیر رسمی هم اگر آنها را حفظ کنیم همان طور که تا امروز کردیم بهتر است و در اولویت درخواست ها اصلاح قوانین را مد نظر قرار دهیم.

محمد حسین رضانی قوام آبادی

دکترای حقوق بین الملل، مدرس گروه حقوق محیط زیست در دانشگاه شهید بهشتی مسئله دادگاه جهانی آب را از منظر نهادهای بین المللی تحلیل می کند. در رابطه نهادهای بین المللی با وی گفت و گو کردیم.

◀ جناب رضانی! چه دادگاهی در سطح بین المللی به مسئله آب می پردازد؟

دادگاه آب در سطح بین المللی وجود ندارد. در سطح بین المللی

شورای جهانی آب

شورای جهانی آب اجلاسی است که از سال ۱۹۹۷ هر ۳ سال یک بار به عنوان بزرگترین رویداد آبی در سطح بین الملل، با هدف بسیج نمودن خلاقیت، نوآوری، ارائه طرح های ابتکاری، دانش و اطلاعات جدید در حوزه آب برگزار می شود.

برای اولین بار در سال ۹۷ رضا اردکانیان (وزیر نیرو)، کاوه مدنی (معاون سابق سازمان حفاظت محیط زیست) و عباس کشاورز (معاون وزیر کشاورزی) از اعضای هیأت ایرانی در هشتمین اجلاس شورای جهانی آب در برزیل شرکت کردند. پس از برگزاری کنفرانس ریو- برزیل (۱۹۹۲) و تشکیل کمیسیون توسعه پایدار (CSD) در سازمان ملل متحد برای پیگیری مصوبات و بررسی عملکرد کشورها در خصوص آن، تحرکات عمده ای توسط سازمان های دولتی و غیردولتی فعال در عرصه آب در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی شکل گرفت که از آن به عنوان «جنبش آب» یاد می شود. یکی از نتایج این فعالیت ها، تاسیس «شورای جهانی آب» (World Water Council) در سال ۱۹۹۶ است. این شورا به عنوان نهادی که بتواند سازماندهی یک گردهمایی جهانی و مستمر را عملی سازد مطرح و به تصویب کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد نیز رسید.

وظیفه اصلی شورای جهانی آب تقویت جنبش جهانی آب برای ارتقای مدیریت و خدمات جهانی آب، ارتقا آگاهی های عمومی، تجهیز عزم سیاسی در کلیه سطوح بویژه در سطح تصمیم گیران برای ایجاد تسهیلات لازم در خصوص حفاظت، توسعه، بهره برداری، برنامه ریزی و مدیریت آب در کلیه ابعاد بصورت پایدار و به نفع کلیه ساکنان کره زمین می باشد. در سال ۱۹۹۷ برای اولین بار قضات و دادستان ها (دستگاه قضایی) به صورت رسمی به فرآیند سیاسی اجلاس دعوت به مشارکت شده اند.

دادگاه آب والنسیا

دادگاه آب والنسیا در کشور اسپانیا با عنوان میراث نامشهود بشریت در یونسکو ثبت شده است. این دادگاه قدیمی ترین نهاد شناخته شده در زمینه دادخواهی در اروپاست که هنوز فعال هست.

دیوان تریبونال یک دادگاه معمولی است؛ از هر ۹ انجمن آبیاری یک نماینده عضو این دادگاه می شود. این ۹ نفر یک نفر را از میان خود به عنوان رئیس به مدت دو سال انتخاب می کنند. هر پنجشنبه یک جلسه عمومی در مکانی تاریخی واقع در میدان قدیمی شهر والنسیای اسپانیا برگزار می کنند تا در خصوص موضوعات مختلف، عمدتاً بحث توزیع آب گفتگو کنند و به حل و فصل شکایات رسیدگی کنند. اگر احیاناً روز پنجشنبه ای مصادف با تعطیلات عمومی شود جلسات دادگاه آب یک روز قبل یعنی چهارشنبه برگزار می شوند. جلسه در حالی آغاز می شود که ناظر دادگاه با کسب اجازه از رئیس جلسه، فراخوان پرونده های مختلف را اعلام می کند.

هر شاکی به نوبت پرونده خود را به دادگاه ارائه می دهد و سپس متهم از خود دفاع می کند و به سؤالات پاسخ می دهد. در این هنگام است که هیئت نمایندگان، به استثنای نماینده انجمن ارائه دهنده پرونده مورد نظر (برای اطمینان از برقراری عدالت)، در مورد اتهام وارده تصمیم گیری می کنند و اگر متهم مقصر اعلام شود، مطابق با اساسنامه انجمن های آبیاری، نماینده آن انجمن حق تعیین مجازات را برای فرد متخلف دارد.